



۲۰۲۳.۰۶.۲۹

سید عظیم حسینی

درنگی بر مشکلات تجارت خارجی افغانستان از منظر تاریخی

قسمت یازدهم

قابل ذکر است که طی سالهای ۸۰ و قبل از آن افغانستان صرف هفت بندر سرحدی فعال داشت که عبارت بودند از:

- در شمال، حیرتان، تورغندی، شیرخان بندر، با آسیای مرکزی
- در شرق و جنوب، تورخم، سپین بولدک، و قسملاً غلام خان با پاکستان؛ و
- در غرب اسلام قلعه با ایران.

علیرغم موجودیت این بنادر محدودیت های فراوانی در برابر نقل و انتقالات اموال تجارتي و بخصوص اموال ترانزیتی افغانستان موجود بود و کشور به مفهوم واقعی بخصوص از جانب پاکستان در محاصره تجارت و ترانزیت قرار داشت.

بنادر و موقعیت آنها

شماره	شهر	ولایت	شماره	شهر	ولایت
۱	تورغندی	ترکمنستان	۸	غلام خان	خوست
۲	آقینه	فاریاب	۹	شیرخان بندر	قندوز
۳	سپین بولدک	قندهار	۱۰	زرنج	نیمروز
۴	حیرتان	بلخ	۱۱	بندر آی خانم	تخار
۵	واخان	بدخشان	۱۲	بندر ابونصر فراهی	فراه
۶	اسلام قلعه	هرات	۱۳	دند پتان	پکتیا
۷	تورخم	ننگرهار			

اما خوشبختانه پس از گشایش ۶ بندر دیگر (دو گذرگاه هریک چاه سرخ در هرات و بهرامچه در هلمند به عنوان گذرگاه ریل تعیین گردیده که هنوز به بندر مبدل نشده است شامل این

لست نمیباشد) امکانات بالقوه جدیدی میسر ساخته شد تا در های ناشناخته و نو بروی صادرات افغانستان گشوده شود. چنانچه تلاشهای مستمر درین راستا به نتیجه رسید و پس از هموار نمودن مشکلات عدیده و میسر شدن راه های جدید دیگر مانند، راه اندازی مسیر لاجورد از طریق ترکمنستان الی اروپا، ایجاد تاسیسات و استفاده از بندر چابهار ایران بسوی هند، احداث و تکمیل خط آهن مزار شریف - حیرتان - ازبکستان - قزاقستان - چین، احداث و تکمیل خط آهن آقینه - ترکمنستان، تکمیل یک بخش خط آهن خواف ایران، الی شهر هرات، ایجاد دهلیز های کارگویی هوایی به خط والسیرها و مقاصد کشورها مختلف، خوشبختانه طلسم انحصاری و وابستگی ترانزیتی با پاکستان شکستانده شده و راه های جدید ترانزیتی برای صدور کالاهای افغانستان به خارج عملاً گشوده شد که در نتیجه ما شاهد بهبود وضع صادرات کشور در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ میباشیم. گرچه این همه تمهیدات شامل تسهیلات صادرات میباشد اما تأثیرات عمیقی را در پروسه تکمیل زنجیره صادرات بجا گذاشته و سهولت های خوبی را در جهت ازدیاد حجم صادرات به ارمغان آورده است. بدین ترتیب با شکستاندن انحصار ترانزیت اجباری پاکستان در حال حاضر انتقال بخشی از اقلام تجارت خارجی افغانستان اعم از صادرات و واردت از طریق سایر بنادر افغانستان صورت گرفته و به تجارت خارجی افغانستان رنگ و بوی تازه بخشیده است.

وضع نابسامان موجود در تجارت خارجی افغانستان و به مفهوم دیگر صعود غیرقابل کنترل واردات (حدود صد ملیارد دالر طی نژده سال) به سهم خود مانع بزرگی را در برابر صنعتی شدن کشور به وجود آورده است در حالیکه رشد صنایع درکشور از جهات ذیل درخور توجه و اهمیت میباشد:

➤ خودکفائی بازارهای داخلی در موارد ممکن با تولیدات داخلی؛

➤ اشتغال زائی؛

➤ استقرار نرخ پول افغانی؛

➤ کاهش واردات؛

- توسعه صادرات و کاهش کسر بیلانس تجارت به عنوان یک اقدام هدفمند در جهت متوازن ساختن بیلانس تجارت؛
- سهولت در بیلانس تادیات؛
- رونق اقتصادی؛ و
- بهبود وضع زندگی مردم و کاهش ضریب فقر در کشور

مزید بر تجدید نظر در تعرفه های گمرکی (در مطابقت با شرایط عینی کشور)، باز نگری در سطح مالیه دهی از جمله مسایل مهمی بشمار میروند که سرمایه گذاری را در کشور تشویق و سکتور صنعت را تقویت مینماید که در نهایت نتایج پر بارى را در راستای رشد مستمر صادرات و کاهش واردات در قبال خواهد داشت و رونق اقتصادی را به دنبال خواهد آورد. از آنجائیکه افغانستان دارای پتانسیل بالقوه رشد و انکشاف در تمام سکتورهای اقتصادی میباشد و سکتور خصوصی افغانستان در سرمایه گذاری های زیر بنائی از قبیل استخراج معادن بزرگ، احداث بند های بزرگ تولید برق، بند وانهار متوسط و کوچک، احداث خطوط آهن، احداث شاهراه های بزرگ ترانزیتی به استندرد جهانی و غیره که بهره دهی وثمریت اقتصادی آن بعد از اكمال پروژه ها آغاز میگردد و نسبتاً زمان گیر هم است، با وجود امکانات وسیع علاقمندی جدی از خود نشان نمیدهند، بناً دولت ناگذیر است جهت ایجاد تحرک اقتصادی دست بکار شده با ایجاد شرایط خاص (منجمله تاسیس شرکت های بزرگ سهامی سراسری ملی راز طریق فروش سهام «به نحوه نظام مالی احداث کانال سوئز در مصر ویا کانال پانامه در کشور پانامه» که هر شهروند افغان هر گاه بخواهد، بتواند سهامدار آن باشد) زمینه همکاری نه تنها سکتور خصوصی بلکه سایر شهروندان را در سهمگیری وسیع و همه جانبه درین پروژه ها تحت پروگرام همکاری دولت و سکتور خصوصی (Public Private Partnership) آماده و تطبیق نماید.

از لحاظ امکانات مدیریتی هر گاه این موضوع مهم و حیاتی در کنار سایر موضوعات به شرکت انکشاف ملی که در حال حاضر تحت نظر مقامات بلند پایه در چوکات شورای وزیران فعالیت مینماید سپرده شود به عنوان حسن آغاز کار، اقدام خوب محسوب میگردد.

وضع موجود تجارت در افغانستان:

از لحاظ پرنسیپ قدرت یک دولت در توانمندی، قدرت و گسترده گی تجارت آن نهفته است. هر قدر دولت ضعیف و مشکلات داخلی بیشتر باشد به همان اندازه تجارت در مجموع و تجارت خارجی بطور اخص نحیف، لرزان و بی ثبات است. چالشهای بسیار جدی که در حال حاضر به عوامل بازدارنده در انکشاف تجارت در افغانستان مبدل شده اند در نکات آتی مضمراست:

1. محدود بودن منابع و یا چشمه های تأمین صادرات:

صادرات هر کشور رکن اساسی تجارت خارجی را تشکیل داده و زمینه ساز کسب ثروت بشمار میرود، بناً در سطح جهانی تلاش همیشگی جریان داردا منابع و چشمه های صادراتی در ابعاد مختلف توسعه و تقویت گردد. از جانب دیگر تجارت به ویژه تجارت خارجی منحصراً یک رکن مهم اقتصادی با سکتور های دیگر چون زراعت، صنعت، معادن، انرژی، ساختمان، توریسم و خدمات (صحت عامه، تعلیم و تربیه، و غیره) در تأثیر گذاری متقابل قرار دارد و این تأثیر گذاری متناسب به اندازه رشد این سکتور هامیباشد. به همان اندازه که سکتور های متذکره پیشرفته، وسیع و انکشاف یافته باشد، تجارت صادراتی پر رونق، گسترده و انکشاف یافته عرض اندام مینماید. تجارت صادراتی با همکاری مداوم سایر سکتورها، در موجودیت تسهیلات فراگیر تجاری و ترانزیتی، تدویر نمایشگاههای داخلی و خارجی، زیربنای فراگیر حقوقی، ساده سازی پروسیجرهای اداری، آگاهی از قوانین جهانی تجارت و مدیریت سالم و بازاریابی های مؤثر، میتواند رشد سریع و گسترده داشته باشد. با چنین امکانات تجارت ممدانکشاف سکتور های دیگر گردیده و بستر رشد و انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشورها را فراهم میسازد.

منابع تأمین کننده صادرات در کشور های مختلف نظربه امکانات و سطح انکشاف اقتصادی هر یک از کشورها متنوع بوده و تدابیر پیگیرانه از سوی دولتها و سکتور خصوصی از طریق طرح پالیسی های جامع، توسعه سرمایه گذاری هادر سکتور های تولیدی، توسعه تحقیقات علمی و اختراعات جدید که جز مالکیتهای ذهنی (معنوی) **intellectual property**

میباشد، در جهت تقویت و تحکیم هرچه بیشتر این منابع اتخاذ می‌گردد. انکشاف مطمئن و دوامدار و سطح بلند صادرات یک کشور تابع فورمول ذیل است:

سطح بلند صادرات = تنوع کالا + کمیت بیشتر کالا + کیفیت بهتر کالا + تسهیلات صادرات .

با تأسف در افغانستان علیرغم موجودیت ارگانهای مسئول، تجارت عمدتاً یک امر خودجوش است. طوری که دیده میشود امکانات حاضر در راستای توسعه منابع و چشمه های صادرات محدود و ناچیز است. چشم اندازی که بتواند پیام امید و ارکننده برای آینده روشنی از تقویت منابع و چشمه های صادرات داشته باشد فعلاً دیده نمیشود. هرگاه دولت و سکتور خصوصی در همکاری باهم در رفع این چالشها اقدام بموقع نموده و روند تقویت، توسعه و تحکیم منابع صادرات قسمیکه گفته شد دقیقاً مدیریت شود، صادرات با رفع محدودیت های منابع و چشمه های صادراتی میتواند از طریق طرح پالیسی دقیق و قابل تطبیق، بخصوص در بخش معادن، صنایع، انرژی و توریسم به دست آورد های بهتری دست یافته و از حالت عنعنوی خارج گردد.

ادامه دارد